

طیحه جاری شده باشد با مبداء کلامی سبحانه و تعالی بزرگت این عبارت مقبوله بار او کلام ما را بر او  
خوش فرماید و مثل علم و رسالت فایده بالی که در اندامین بار تعالی سبب الله الرحمن الرحیم  
جودت زلف صاحب داده عالی مراد و الاثنان حروفه تاروف الحمد صحت  
عبد السلام علیه ورحمة الله وبرکاته که در این بی نام بود و عطف  
رسیده تا رسیدن جزایم الله عزوجل و از منوره او  
ترکبت و از منوره او که بعد از علی صاحبنا الصلوٰه والسلام و الحجه عکابه فرماید  
استقامت در دانه باشند و از کس که کمانه و در کس که کمانه و در کس که کمانه و در کس که کمانه  
خوشی مستحق خدای تعالی در بر دو جهان خوش دارد و در شیخ آرام نیز رحمت الله علیه را فرست  
باشند و در کس که در دنیا توجه و حضور و محبت و وسعت نور پیدا شود بهتر است که آن توجه محفل  
کرد باز توجه بیخود بکنند خدا کند که تصفیه قلب و تزکیه نفس بطریق خود حاصل شود و حقیقت  
معین باشد و فقیران ملک الله همراه شما باشند و مدون تغییر و حدیث و مکتوبات زلفه و عطا  
و تقوی و لغات و فقه در حلقه منبر شده باشند و وقتی از اوقات سجدهات محبت و نیاز  
و تقفات کریمه و زاری اجناس حضرت اری کرده باشند در حلقه بی حالی از غم و شام باشند  
و این فقیر حقیر لاشی را بدعا باد در اندوار مطالعه رساله شریفه بسیار خوش بنفیس حق تعالی اجابت  
که معاین رساله شریفه محالاً و تکلیف عباد کس الوصوه در شما و طرار آن نما طهر کنند و طالبان  
خدا را بیده باب کنند حق تعالی آنچه با او اجود اگر هم شما در اعطا کرده است شما را هم عطا کند

غیاث لعل  
فیروز از دعا از کس نهند و اگر از غم است

در السلام علیه و علی من بعد  
تعالی که در نظام

*[Faint, mostly illegible handwritten text on the left page, possibly bleed-through or a separate column of text.]*



بزرگان این طریقه شریفه فرموده اند که این بازده لطیفه است بیخ از عالم ام قلب روح و کسری  
 داخلی و بیخ از عالم خلق اربع عناصر و لطیفه نفس در سبک بر لطیفه و بیخبات و علوم و معارف هر یکی  
 از این لطیفه عشره و برای آن جدا جدا بیان نموده اند و بجهت حصول این احوال و معارف حکایات  
 وارده در تهنید بر لطیفه از کار و اشغال و مراقبه محقر فرموده اند میفرمانند سبک را بیاورد  
 با لطیفه قلبی که محل آن زیر پستان است و در آنست مایل به پهلویست ذرات اسم ذات  
 طریقی آن که زبان بکلام چنانچه در بی تحرک است اللهم از زبان خیال بر دل جاری  
 نماید مراقبه احدیت و معنوم آن که ذاتی است بی چون و چه اقصاف بجمع صفات و کمال و منزله از کمال  
 سخنان نقصانات در لحاظ خود دارد یعنی اسمی که بر آن ایمان آورده ایم و منظر نفس  
 در ذرات اسم ذات و در ذرات نفسی در نبات اشاره باین مفهوم و کلام در دل از خواطر مایه  
 بگذارد و هیچ خطره در دل نگردد و بر کف هدایت خواطر اظهار صورت شخصی که از ذرات لطیفه است در دل  
 التماس بجزایر بسیار مفید است و بعد چندی در ذکر بنیاز تمام بدل بگوید خداوند متعالی

درهای تو محبت خود داده و معرفت خود داده و این را با داشت گویند و در وقت باین فراموشی و بی  
 نگذاشت و این با داشت مستعمل باشد که در اول ذکر و بعد از ذکر سبک خیال برسد باز از همین لطیفه  
 روح را محل آن زیر پستان است بقا صلوات و از آنست محادی پستان راست است ذکر کند باز از لطیفه  
 محل آن برابر پستان بر بقا صلوات و در آنست در سینه است ذکر کند باز از لطیفه خفی در محل آن برابر پستان در  
 بقا صلوات و در آنست در سینه است باز از لطیفه خفی در محل آن در وسط سینه است ذکر کند و اینست نام هر یک از  
 حرکت در سینه که در پستان خیال بر پستان لطیفه دیگر ذکر کند در مقام در جنب لطایف هر حرکت ذکر کند  
 کرده و باز از لطیفه نفس در محل آن در سینه است ذکر کند باز از تمام بدن در سینه لطیفه قابل بود  
 ذراتی که باین توهم و التفات و خیال است از سینه است در این موی نامی چون حرکت ذکر تمام بدن سموعه  
 از اسلطان الاذکار و سینه و لایق دویم ذکر نفسی و انبات است هر نفسی که از زبان بکلام چنانچه در بعد از  
 حرکت نفس و زبان خیال کلید از مایه باغ خارج است و نقطه الاذکار است در اول و نقطه الاذکار  
 هر سبب بر دل کند بطوریکه در آن بر جمیع لطایف در سینه است افتد و لحاظ این معنی که سینه است مقصود  
 ذرات باک و در نفس خود دارد و در سینه است بر عایت عدد طاق بگوید و این را در وقت خود می گویند  
 هر نفسی که از زبان بکلام چنانچه در سینه است در سینه است و بعد از آن بسیار بلند  
 سینه است که در سینه است باز از سینه است در سینه است و بعد از آن بسیار بلند  
 بلبله و قوس نامی که در سینه است در سینه است در سینه است و بعد از آن بسیار بلند  
 میگویند و در سینه است و در سینه است و در سینه است و بعد از آن بسیار بلند  
 میگویند و در سینه است و در سینه است و در سینه است و بعد از آن بسیار بلند  
 میگویند و در سینه است و در سینه است و در سینه است و بعد از آن بسیار بلند



کیفیات و حالات دست و بدلت اند برای حصول مرتبه دوم حضور سه طریق بصیرت العارفان و ...  
معانی و توجه به یک و توضیح بذات الهی سبحانه و دوم طریق مراقبه دل را از خواطر بازاری و درنگها در شکر و ...  
از مبداء فیاض و در شکر و توجه بدل نمودن سکون طریقی ذکر را بطریقت تصور صورت مرتبه در اول ...  
و صحبت او را لازم گرفتن بدان که معمول است که هرگاه خود را مستول نموده باشد استغفار کند و ...  
به روح طیب بزرگان طریق بخواند با صورت بزرگی که از طریق ذکر در اول حاضر کند تا کفایت در ...  
بدان شود باز در شکر و بیخود است تمام بود در اول بصیرت فانی شود از فکر بازاری و ...  
ان کیفیت و صحبت در کمالی تمام بدین شرح در این سوره باید پس از آنکه در سوره اول که مایه ...  
حق سبحانه تعالی ملحوظ نظر دارد و مداومت بر آن کیفیت در آن حضور و اکامیل در قوف قلبی لازم باشد ...  
نماید از این حضور غفلت نهد تا حضور در توجه در بخوابد یا کم خوابد یا مکرر شود و در حالت نشستن را احاطه نماید و ...  
تعمیر و تقویت است ممارست بود و لذت از کسی نه از خیره توجه حضور که در غلبه با کم خوابد ...  
ایمانت را درین طریق اول و بعد از آن و از راجع مناسبت در برایت گفته اند در بنجای بی شعوری ...  
و تجردی ازین حاصل منزه و چون ملاحظه فرمایند نور با دور است درون رسوخ پیدا میکنند و ...  
زنی را در باطن منضج بصیرت الله منبیا بود و نیز در راجع منضج و شکر کی در زراعی بر این بود و خلاصه ...  
عشره حاصل منزه کا تو چه بر او خسته و بود و همین تفهیل پیدا میکنند و شود و در ذکره و ...  
نقد و قس می شود و الا تو چه بسط باجمال لازم باطن میگرد و در شکر و ...  
که لازم این نسبت است مرتبه می شود **مرحوم** تا با ذکر از خواطر و مناسبت این سوره ...  
بر طریق قلبی و معنای تجلیات افعال بقیه از سوره مایه در ضمن فانی است و ...

بازجم تمام شدن سیر لطیفه قلبی و معمول کیفیات آن نیز بطریق نفس منبیا بود در این مراقبه او نیست ...  
تجرب او را به من صل نور بود باز مراقبه حکیم و بجزویم میکند حالات و کیفیات و علوم اینها دیگر است و ...  
فنی نازل غماض را به کلام عالم صل و حالات و واردات و تجلیات و کیفیات و علوم و ...  
انسانا که از فرستادن **بصیرت** فیض روح القدس را باز مدغم نماید و دیگران هم باشند که ...  
اوقات با کار و خالی اعمال از غلبه نترساند و بیانت و ملاوت و زن شریف و درود و ...  
و تقوی و تمیز داد و عید در حدیث صحیح دارد است محمور باید در است و باطن را بنور حضور ...  
نور باید نمود در اول شکر و زینت و بیکدیگر است یعنی با استقامت با حکام شریف و دوام در ...  
زنی باید نمود و محل و بر زبان سلام مضاف و در است و در علم عیبت و دستم جزین و اجناس ...  
عدم مخفی بیس که فرض باید دانست و دیگر آنکه خیره کند شکر و همین رده بودم و فلان عن حسن ...  
و چنین رده و خطره آینه که چنین خواهم را و فلانی چنین خواهد از اول بند باید نمود و از خرابی سوال ...

بسم الله الرحمن الرحیم

طریق مشغولی بند حسی سبحانه بالوجه لطیف سبب نادران حرکت ذکر پیدا شود است داد ...  
بیشتر با در استغفار بخواند باز با روح طیب بزرگان علیه الرحمه فاتحه بخواند و بوا ...  
خاست الهی را در طلب منضج و معرفت کند و صورت شخصی را در اولین ذکر بافته روی ...  
حاضر نماید اول از طریق طلب که همان نیز است و در است و در است و در است و در است ...  
حالت را در این است چنانکه سوره مایه در است و در است و در است و در است و در است ...







و اما بی باید بود در اینجا ذکر اسم ذات فنی در اجزای و تئیس بی نری بی خسته در اقیانوس صفت  
 حفره ذات که سببی اسم مبارک است می نماید و قوت علی توجیه بدل و الفاظ سببی که نیست معصوم  
 ذات پاک با محبت الفاظ ذکر و لغات است دل از خاطر علی الودام می باید کرد دل بی ذکر تئیس  
 و توجیه دل توجیه حفره ذات او سببی از لغات است خواطر ذکر سبب محبت الفاظ و الفاظ معنی در بار نشنا  
 نیست بی معصوم بی جز ذات پاک یازده خداوند معصوم من تویی در صافی تو تا ملاحظه کنی  
 دانای سببی حضرت باب نالک رو فرغ باید کرد همی باشد چون کم خطری بیانی خطای کرد  
 مانع توجیه و کیفیت تو تا بجای گری بر ستم را به حقیقت و هم حکم این نام در هر لحظه و مردم باید نمود  
 تئیس است غیر از این مراقبه در دلاویه صوتی آینه که دایره نامی است و این سیر حکمات اخصا  
 الیه که ظلال اسما و صفات است و در این توجیه و جودی و ذوق شوق و آه و ناله استخراق و  
 سجودی و دوام حضور و توجیه و غیره حاصل منزه و چون احاطه شستن است باید و انتظار می نماید  
 شروع سیر در دایره ولایت گری می نماید و این نالت است که در این و یک نفس در دایره او  
 مراقبه آخر است که اثر است این حاصل الوری میکند و در تئیس نصف سلاج دایره اولی مشتمل حکمات  
 اسما و صفات زایده است و نصف عالی آن معنی است شبنم ذراته و دایره ثانی حصول آن  
 حکمات دایره ثانیة اصول آن اصول و قوس اصول آن وصول درین دایره دوم  
 و سیدیم قوس مراقبه محبت میجویم می نماید و این ولایت گری که در ولایت است  
 توجیه شود و فنا در انوار است و در حلال در نیست باطن و اسلام حقیقی و شرح صدق  
 عالم را اطل وجود و نواح وجود حفره ص سببی با صفت فنا و در این صفات و صفی حلال

بنده بنده

تئیس است میبندد و محمول این سه حکمات ظلال اسما و صفات و حکمات اسما و صفات سببی  
 و تمام میبندد و محمول این سه حکمات ظلال اسما و صفات و حکمات اسما و صفات سببی  
 درین سیر با ولایت علی مقرر کرده اند و در این نماز باطل قوت و مراقبه سبب باطن توجیه  
 میشود بعد از این سیر بجای ذاتی نیست میدهد و استجلی ذاتی و بی رانجه حکمات نبوه کرده اند و  
 و اینها سبب و حکمات ذاتی در اجزای دارند و حال نبوه است در اینجا مراقبه ذرات  
 از استعارات می نمایند و لطیفه مقرر خاک در اینجا مقرر است علاوه قرآن مجید در اینجا تئیس می کشد و الحاقه  
 حالات باطن و در اینجا تئیس می کشد و هر تئیس در لطیفه نقد وقت میبندد و در ایمانیات و عقاید تئیس  
 حاصل میشود و استدلالی بدی میبندد و در این مراقبه معطر قرآنی محققان این درجات حاصل میشود  
 در هر دو حکمات رسالت است این دایره ششم است در هر دو حکمات در این حالات از علوم است این در این  
 شبنم در دایره مورد فیض است و عدالتی است که تصفیه و حصول فی الطایف است علم امر و نذیب  
 لطایف خسر عالم خلق تکریمی دیگر بافته و در عقاب سبب که بعد از این سبب خواهد آمد نیز مورد فیض  
 است و عدالتی است و ملاقات در آن مجید مخصوص در نماز است تئیس میبندد بعضی اکار بعد حصول  
 حکمات تئیس سبب عقاب اینها علیه السلام مقرر فرموده اند دایره خلعت این دایره ششم است حقیقت  
 این سبب است علیه السلام در اینجا مراقبه حفره ذات علی و از آنکه حقیقت این سبب از زبان سببی است همان  
 و صلی بر این سبب میجویم و در این دایره هم حقیقت سببی است میکند و در ذوالهم صل  
 سبب محمد و علی اخوانه من الانبیاء مقرر ما علی حکمات سبب است و این دایره دوم است در اینجا  
 مراقبه حفره ذات پاک علی و از آنکه حقیقت حقیقت است علیه السلام میبندد و دایره احمدی است

در اینجا مراقبه حفره ذات علی و از آنکه حقیقت حقیقت است علیه السلام میبندد و دایره احمدی است

در اینجا مراقبه حفره ذات علی و از آنکه حقیقت حقیقت است علیه السلام میبندد و دایره احمدی است



در بره بار دوم است بحکم حضرت زینب است در اینجا مراد از حضرت زینب است و سبب این است که در این  
 صفت است و در این علم و سلم باید نمود و در در بره صبر روز و در این در بره دو روز است  
 مراد از حضرت زینب است علی ما ذکر است و در این است که در کتبه صلوٰۃ اللہ علی علی سیدنا محمد  
 و آله افضل صلواتک و عدد ما یومک بارک و سلم کنانک در این مقامات خرمی می باشد  
 بر سه لایحین و اطلاق ذات است سبحان من بعد از بره صفت کعبه حسنی این در بره است  
 که آن عبارت از ظهور عظمت و کبریا می حضرت زینب است سبحان در اینجا مراد از حضرت زینب است  
 پس در این مقامات را می کشد و بره صفت خزان و این در بره چهار روز است حضرت زینب  
 عبارت از مبداء و صفت حضرت زینب است در اینجا مراد از حضرت زینب است باعث یکدست حضرت  
 زانی است و می بیند این و بره بار دوم است و در بره صفت صلوٰۃ از بحال و صفت خزان  
 حضرت زینب است سبحان در اینجا مراد از حضرت زینب است حضرت صلوٰۃ است باید نمودن  
 میبودن هر وقت و این را بنویسند و در این است که می دانم مقام عابدین است میبودن  
 اسامی معانی و مراقبات ظهور احسنه که تفصل آن در مکتوبات شریف مندرج است در ولایت  
 ظهور کعبه میبودن از پیچودی و در ستون و نور وجودی و استلک و اضداد و نور وجودی  
 و فنار انا و کعبه الطیفه فایده ظهور کعبه و در این در اینجا مراد از حضرت زینب است  
 و طیف و در صحت و بی رکنها و در کعبه باطن هم برسد و فواید اینها و عقاید حق  
 و کسی که مراد است در این در بره عالی می نماید در این صفت و در این مقام فرق می نماید  
 اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب

بار دوم مقام  
 اودانت یاد کرد کلمات  
 و قوت قلبی  
 قوت غدی سوس در دم نظر بر قدم جلوت در این سخن سر در وطن